

پیوند عاطفی را در خانواده جدی بگیرید

دختران بزهکار به مانند جزیره‌های سرگردان

عکس: ژانلی است

هویت شکل یافته‌تر چگونه ایجاد شده است و تحت چه شرایطی دختران دچار تزلزل هویت می‌شوند؟ جدا از دخترانی که در خانواده‌های معتاد به مواد مخدر به دنیا می‌آیند و بستر خانواده کاملاً آماده سوق دادن آنان به سوی اعتیاد است، بسیاری از دخترانی که به انواع مواد مخدر صنعتی وابسته شده‌اند یا ایده فرار از خانه را عملیاتی کرده‌اند، جدا از آنکه به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند، همه در یک تنهایی و سرگردانی، مشترک هستند. سرعت‌شاننده تغییرات اجتماعی و دسترسی آسان و سریع به شبکه‌های اجتماعی گوناگون آنان را در خود غرق کرده است. این دختران از یک سو قربانی بستر زمانی هستند که در آن زندگی می‌کنند، یعنی عصر ارتباطات، و از سوی دیگر قربانی والدین ناکارآمد هستند. پدران و مادران و بیشتر هم‌مادرانی که نتوانسته‌اند با آنان پیوند عاطفی مناسبی برقرار کنند و در مسیر پرورش آنان غفلت ورزیده‌اند. هویت این دختران به خوبی شکل نگرفته است. آنان متزلزل هستند و توانمندی زیستن در دنیای مدام به‌روزشونده را در خانواده و مدرسه کسب نکرده‌اند. هوش ذهنی آنان خوب است اما هوش هیجانی آنان که شامل مهارت‌های اجتماعی کارآمد است ضعیف است. مهارت ارتباط مؤثر و «نه» گفتن را نیاموخته‌اند، شنیده نشده‌اند و خود را در یک تنهایی بی‌انتهای آنها دیده‌اند. مواد مخدر و فرار از خانه ابزارهایی هستند که آن‌ها می‌خواهند با استفاده از آن خود را به جامعه ثابت کنند. ساختن زندگی بهتر با ابزار اشتباه ممکن نیست. این زندگی با بختگان جامعه جدا از اینکه زندگی در فقر را تجربه کرده‌اند یا زندگی در رفاه، نتوانسته‌اند در خانواده خود احساس ارزشمندی کنند. این فرزندان در مقابل خود، دنیایی از انتظارات

هر نوع تلاشی برای پیش‌گیری از بزهکاری باید با توجه به این نکته باشد که انتظارات و فشارهای اجتماعی چه‌گونه رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌های میدانی در گستره آسیب‌های اجتماعی ما را به سمت فرار دختران سوق می‌دهد، مسئله‌ای که به اندازه‌ی جدی است که به‌هیچ‌وجه نباید از آن ساده گذشت. فرار از خانه اگرچه جرمی محسوب نمی‌شود که مجازات قانونی برای آن اعمال شود، در صورت بازگشت به خانه، غالباً مجازات عرفی و درون خانوادگی را به دنبال دارد؛ از طرد شدن از سوی خانواده گرفته تا تنبیه‌های سنگین نظیر قتل، بازنگشتن به خانه نیز آسیب‌هایی اجتماعی برای فرد فراری و سلامت عمومی جامعه دارد؛ از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، تعرض، ورود به کارهای غیرقانونی برای امرار معاش و تأمین بقای خود. اما چه‌گونه و تحت چه شرایطی دختران حاضر می‌شوند کانون خانواده را رها کنند و به دنیای پرمخاطره‌ای پناه ببرند که آسیب‌هایی متعددی به همراه دارد؟



دکتر مهتاب علی نیاذ
جاسعه‌شناس

➤ دختران با امید کدام سراب خانه را رها می‌کنند؟

سودای مهاجرت و پول؟ رها شدن از خانواده آسیب‌زا؟ متولد شدن در خانواده بدسرپرست یا بدون سرپرست؟ رؤیای ره صدساله را یک شبه طی کردن؟ صدها علت بی‌شمار هست که دختران ممکن است به هرکدام از آن‌ها استناد کنند و خانه را رها کنند و وارد دنیای نابسامان دختران فراری شوند یا به مصرف مواد مخدر وابسته شوند. با وجود دلایل متفاوت، یک ریشه مشترک در عمق دلایل مختلف وجود دارد. وجود این ریشه مشترک سبب شده است هریک از دختران با توجه به شرایط خانوادگی خود و محیطی که در آن زندگی می‌کند، یکی از آن صدها دلیل را منطقی قلمداد کند و یک روز با یک کوله، از هراس ناپیدا و ناتمام و رؤیاهای بلند، به امید ساختن زندگی‌ای با کیفیت بهتر، به استناد همان دلیل منطقی، برای همیشه خانه پدری را پشت سر بگذارد. بسا دخترانی که از پیامدهای فرار از خانه یا مصرف مواد مخدر

آشنا باشند اما با کاوش در واقعیت زندگی خود، آن را امری دلخواه به شمار آورند و به امید اینکه پیامدی شوم برای آنان رخ نخواهد داد، پای در راه می‌گذارند.

➤ هویت شکل‌گرفته چه‌گونه ایجاد می‌شود

آن استیصال عمیق و عجیب چه‌گونه در ذهن یک دختر نوجوان شکل می‌گیرد که او را با وجود دانستن عواقب شوم، به امید روزنه کوچکی برای سرنوشت متفاوت سوق می‌دهد؟ بستر روانی خانواده، احساس تنهایی، برآورده نشدن انتظارات فردی در تعامل با خانواده و ناموفق بودن در برآوردن انتظارات اجتماعی از خود. بیشتر دختران نوجوان و جوانی که هویت شکل یافته‌تر و مشخص‌تری دارند عموماً پیش از سایر هم‌سالان خود می‌دانند چه‌گونه می‌توانند در برابر انتظارات اجتماعی و فشارهای روانی ناشی از آن تاب بیاورند و بهترین عملکرد در سطح امکانات و شرایط خود را داشته باشند. اما آیا تاکنون اندیشیده‌اید که

اجتماعی را می‌بینند و به یک تکیه‌گاه و پایگاه قوی عاطفی نیاز دارند که در برابر حجم وسیع تغییرات و انتظارات بتوانند در سایه همراهی آن پایگاه قوی آرامش بگیرند و احساس تعلق داشته باشند.

➤ خانواده از جایگاه سنتی فاصله گرفته است

یک تصور عمومی در جامعه موجود است که خانواده آسیب‌زا را صرفاً خانواده‌هایی از طبقات پایین یا درگیر فقر مالی قلمداد می‌کنند در حالی که خانواده آسیب‌زا می‌تواند در هر طبقه اجتماعی وجود داشته باشد. والدین تحصیل کرده یا مرفه اقتصادی که نتوانند با فرزند خود ارتباط مناسب عاطفی برقرار کنند و خانواده را به مکانی امن و آرامش‌بخش برای احساس تعلق اعضای خانواده نیز تبدیل کنند جزو خانواده‌های آسیب‌زاتلقی می‌شوند. در زندگی اکنون عصر ارتباطات، ساز و کار خانواده به مثابه یک نهاد آموزش‌دهنده و پرورش‌دهنده از جایگاه سنتی خود فاصله گرفته است زیرا سرعت پیشرفت فناوری و افزایش مخاطرات اجتماعی والدین را برای آموزش همه‌جانبه فرزندان ناکارآمد می‌سازد. خانواده در دوره کنونی ساز و کار اصلی‌اش ایجاد یک پایگاه عاطفی برای افراد خانواده است، جایی که در هیاهوی تغییرات و گسستن‌های مکرر اجتماعی، نیاز احساس تعلق و ارزشمندی فرزندان را برطرف کند. مادران به عنوان محور خانواده، مسئولیت بیشتری در این زمینه دارند. ریشه‌های هویتی دختران و پسران آنان را با برطرف کردن نیاز به احساس تعلق و ارزشمندی قوی کنید تا اعتماد متقابل شکل بگیرد و این جزیره‌های سرگردان در بحران‌های متعدد اجتماعی بتوانند در مواقع لزوم به شما پناهنده شوند، نه به فرار از خانه و مصرف مواد مخدر.

موقعیتی حاکمی از بی‌اعتنایی مرد به زن، و بی‌توجهی او به حقوق انسانی زن، و نبودن رابطه میان آن‌ها. مادر نه می‌تواند بماند، نه می‌تواند برود. در میانه کتاب، او با خودکشی به این رابطه پایان می‌بخشد اما دختر از طرف او و از طرف همه زنانی که چنین زندگی‌ای را تجربه می‌کنند تصمیم دیگری می‌گیرد.



از طرف او

• نویسنده: زینت

(۴)



شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآر
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



ماه رمضان
در خاطرات
بی‌بی‌حلیمه



غلامرضا آذری‌خاکستر
پژوهشگر تاریخ



بخش مهمی از حافظه افراد به خاطرات گذشته اختصاص دارد زیرا تغییرات تدریجی در جامعه اعم از تحولات شهری یا فرهنگ و آداب و رسوم را می‌توان لایه‌لای پادمان کهن سالان جست‌وجو و به پژوهش‌ها استناد کرد. در سال‌های گذشته، خاطرات زنان مورد توجه واقع شده است و خاطره‌نگاران در برابر این مقوله بی‌تفاوت نبودند زیرا زنان در بیان خاطرات، ضمن توجه به جزئیات، مطالب درخور تأملی ارائه می‌دهند.

مرحومه بی‌بی‌حلیمه مؤمنیان شاندیز متولد ۱۳۱۰ در احمدآباد از توابع گل‌مکان مشهد است. وی از سادات حسینی و پدرش سید روح‌الآمین مؤمنیان شاندیز و مادرش بی‌بی‌آقای خادم نامیده می‌شد. جلال قیامی میرحسینی وقتی مادرش ۶۵ سال سن داشته به سراغش رفته و طی هفت جلسه گفت‌وگو خاطراتش را ضبط و پس از درگذشت مادرش در سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است.

بخش اعظم خاطرات به تاریخ خانوادگی و اتفاقات روستای احمدآباد اختصاص دارد، به‌ویژه درگیری بین سادات و عام‌ها چون در آنجا چهار قبیله سید و یک قبیله عام با هم اختلاف داشتند.

بنا به گفته بی‌بی‌حلیمه، احمد‌آباد درخت چناری دارد. مردم نذر بیمار می‌کنند و شفا هم می‌دهد. برای اینکه دخترشان عروس یا پسرشان داماد و مسافرشان به سلامت برگردد، به شاخه‌هایش لته می‌بندند. پایشان کوسفند قربانی می‌کنند و آتش رشته می‌دهند.

هم‌چنین در قدیم رسم نبود زن‌ها در مراسم دفن، سر خاک برهند. هنگامی که میت را دفن می‌کنند، ۳ شبانه‌روز چادری برپا می‌کنند و در آن، یکی از فقیران روستا که ملا باشد و بتواند قرآن بخواند، به قرائت آن مشغول می‌شود. آن وقت، از خانه برایش غذا و چای می‌برند. در آن جا هفت‌م را غذا نمی‌دهند بلکه در سوم این کار می‌کنند، یعنی به زن‌ها و مردها آب‌گوشتی یا پلو می‌دهند. عصر آن روز هم در مراسمی خاص، چادر را جمع می‌کنند و به مسجد می‌برند. کسانی که تعزیتی باشند، تا ۴۰ روز رخت نمی‌شویند، حمام نمی‌روند، اصلاح نمی‌کنند، حنا نمی‌مالند و جارو نمی‌زنند!

بخشی از خاطرات بی‌بی‌حلیمه به مراسم ماه رمضان اختصاص دارد. در روستای احمدآباد، هنگام سحر، عده‌ای به تین‌های حلبی می‌زدند تا مردم برای سحری خوردن بیدار شوند. آن‌هایی که سواد کمی داشتند، شب‌خوانی می‌کردند مثل برادرهای من که می‌رفتند بالای پشت‌بام و مناجات می‌کردند و از صدای آن‌ها، اهالی اطراف بیدار می‌شدند. در احمدآباد، بچه‌ای که نخستین‌بار روزه می‌گرفت، افطار نمی‌کرد تا اینکه از پدر، مادر و پدربزرگ و مادر بزرگ هدیه‌ای می‌ستاند. بعضی بچه‌ها هم روزه گنجشکی می‌گرفتند. عید فطر را هم جشن می‌گرفتند و تا تابه، نان‌هایی به نام یوخه درست می‌کردند به طوری که شب عید فطر حتماً باید یوخه در سفره می‌بود، به علاوه غذا‌های دیگر. تا اینکه از شهر خبر آمد که ماه را دیده‌اند. آن وقت، در مسجد اذان می‌گفتند و نماز عید برگزار می‌کردند.

ایران عضو کمیسیون مقام زن سازمان ملل شد

ایران با کسب ۴۳ رأی از ۵۴ رأی کشورهای عضو اکوسوک، به مدت ۴ سال به عضویت کمیسیون مقام زن سازمان ملل درآمد. در نشست نهادهای فرعی شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) که به صورت حضوری در نیویورک برگزار شد، در گروه آسیا-اقیانوسیه، ایران نامزد عضویت در نهاد کمیسیون مبارزه با مواد مخدر از سال ۲۰۲۲ تا سال ۲۰۲۵ و کمیسیون مقام زن از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ بود. هم‌چنین در انتخابات کمیسیون مبارزه با مواد مخدر، کشورمان با کسب ۳۷ رأی به مدت ۳ سال به عضویت این کمیسیون درآمد.